

NECESSITY OF REGARDING PRINCIPLE APPROACHES IN DESIGN AND ARCHITECTURE OF URBAN SPACES

Hashem Hashem Nejad

Member of scientific board department of Architecture and
Urbanism, Iran University of Science & Technology
hashemnejad@iust.ac.ir
hashemnejad_h@yahoo.com

Abstract: For especial approach on urban space design and achieving a harmonic and pleasing scape, it is necessary to do some study on different aspects. Regarding structure of the city can be one of the effective parameters in research in this aspect; if the necessity of studying the city, guide us to our goals to reach the city scape that is aimed. Continuing the study, it is necessary to take especial attention to the problem of identity in city space and approach to the principle of urban identity guides us to a noticeable future scape in cities. In renovation and rehabilitation of significant textures, notice to programs of urban rehabilitation is necessary because without care to right principles of urban rehabilitation programs of significant textures will be without identity and livability. Notice to development of inside and outside in urban design impose strong and undefined spaces on city. Criteria and principles of urban spaces that urban programmers and designers define are the results of criteria that should be obeyed in design and development of urban spaces, because design starts with creation of urban spaces and should be responsible to all aspects of urbanization and city structural problems.

لزوم توجه به رویکردهای اصولی در طراحی و معماری فضاهای شهری

هاشم هاشم نژاد

چکیده: برای نگرش خاص بر طراحی فضاهای شهری و دستیابی به سیمایی خوش آیند و موزون لازم است در زمینه های مختلف بررسی هائی انجام پذیرد. توجه به ساختار و استخوانبندی شهر می تواند از زمره پارامترهای موثر در امر پژوهش این مقوله قرار گیرد. چنانچه لزوم پرداختن به آن ما را به اهداف خود برای رسیدن به سیمای شهری که مورد نظر است راهنمایی می کند. در ادامه بررسی لازم است به مسئله هویت در سیمای شهر توجه خاص داشت و نگرش به اصل هویت شهری ما را به سیمای آینده قابل توجهی در شهرها هدایت می نماید. در بازسازی و نوسازی بافت های بارزش توجه به برنامه های مدون مرمت شهری لازم بوده چرا که بدون پرداختن به اصول صحیح برنامه های مرمت شهری بافت های بارزش گذشته را بی رونق و بی هویت می کند. توجه به امر توسعه درون و برون در گسترش فضاهای شهری بدون تامل و توجه به اصول طراحی شهری فضاهای غریبه و تعریف نشده ای بر شهر تحمیل می نماید. معیارها و رهنمودهای طراحی شهری که برنامه

تاریخ وصول: ۸۶/۲/۱۲

تاریخ تصویب: ۸۷/۱۰/۱۵

هاشم هاشم نژاد عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، hashemnejad_h@yahoo.com-hashemnejad@iust.ac.ir

ریزان و طراحان شهری آنها را تعیین می نمایند حاصل ضوابط و معیارهایی است که باید در امر طراحی و توسعه فضاهای شهری رعایت شود، زیرا که طراحی با ایجاد فضاهای شهری شروع می شود و باید جوابگوی همه جوانب شهرسازی و مسائل کالبدی شهر باشد.

واژه های کلیدی: سازمان فضائی- سیمای شهری- ساختار- هویت- مرمت شهری- طراحی شهری.

۱. مقدمه

توجه به سیمای شهری و سازمان فضایی شهر مستلزم آن است که هر مجموعه فارغ از مقیاس و تعداد الگوهای فضایی دارای جلوه ای متمایز و انحصاری باشد و با استفاده از توانایی های معماری خود معرفی و شناسانده شود.

بدنه ها بخشی از مهم ترین نقش های القاکننده را در سیمای شهری دارند و در تعریف هر فضای معماری اهمیت اساسی می یابند. در تعریف فضاهای شهری، انواع بدنه های آن خصلت ها و مصادیق خاص خود را دارند و با توجه به ویژگی ها و ترکیب های متنوع شان می توانند نقش خوشایندی در سیمای شهری داشته باشند.

امتداد بدنه های شهری نیز با توجه به توانایی بالقوه این بدنه ها، فضایی شهری را تشکیل خواهد داد که می تواند در تشخیص جهت و ایجاد خوانایی در سازمان فضایی کل مجموعه های شهری موثر واقع شود.

مثلاً هنگامی که فضایی باز زیر تسلط بنایی قرار می گیرد، آن بنا بر اساس اقتداری که به تعریف بصری محدوده ای از فضا منجر می شود و متن پیرامون خود را تعیین می کند، نقشی نشانه ای می یابد. آرامگاه ها، برج ها، مناره ها، گنبدها، کلیساها و ساختمان های بلند و مرتفع به مثابه نشانه های شهری مطرح اند و در واقع جزئی از خاطره جمعی و فضایی شهروندان محسوب می شوند.

در واقع، هر بنا به مثابه عضو کوچکی از شهر باید با محیط همجواری و در نهایت با کل شهر پیوندی منسجم داشته باشد. به طور کلی در سلسله مراتب طراحی شهری، برای آنکه بتوان پیوستگی و تداوم و ترکیب بندی موزونی را به وجود آورد، نگرش خاص به سیمای شهری ضروری است.

۲. ساختار و استخوانبندی بافت شهری

آنچه در مرحله نخست می تواند در این مطالعات در شکل پذیری شهرهای جدید موثر واقع گردد شناخت ساختار و استخوان بندی و کنکاشی در شناخت هویت شهرهای قدیمی و چگونگی انطباق آن با نحوه زندگی شهری و ماشینی امروزی است. مطالعه در عرصه ها و پدیده ها و عناصر شهری گذشته برای هویت بخشیدن به ساختار شهرهای کنونی لازم است تا این شهرها بتوانند همچون فرزند شهرهای گذشته خود به نظر برسند.

لازم به ذکر است که توجه به شهرسازی و معماری قدیم نشان دهنده همدلی با آن می باشد و سیمای شهرهای بی هویت کنونی حاصل التقاط فرهنگی امروزی است. در هیچ زمینه ای عوامل موثر بر فرم پذیری شهرهای کهن خود را در ساختار و توسعه شهرهای کنونی و حتی نوشهرها و انطباق آن با زندگی و نیازهای امروز مشاهده نمی کنیم.

ما در مطالعه و ساختار و هویت شهرهای خود در این زمینه پژوهشی به صورت اصولی و عملی که بتوانیم از سیری نظری به راهبردهای عملی برسیم، در مضیقه فراوان هستیم. البته این بحث به آن منظور نیست که توسعه شهرها و آنچه در سایر کشورهای در حال توسعه ساخته می شود راه درست و قابل قبولی را طی کرده اند ولی در پاره ای از موارد با پشتوانه مطالعات و دستیابی به مطالعات و مدارک کافی شهرسازان و معماران کارهای اساسی و قابل توجهی را به صورت الگو و نمونه انجام داده اند.

بدین معنی که مطالعات اصولی و دستیابی به مدارک کافی شرط اولیه ای است که می تواند ما را به اهداف خود نزدیک نماید. بدون شک توسعه روزافزون جمعیت و استفاده از امکانات رفاهی و بهره گیری از تکنولوژی در رشد و توسعه سریع شهرها آنچنان موثر است که عدم توجه به معیارها و ضوابط کیفی و ساختار اصولی شهرهای گذشته سیمای بی هویت شهرهای کنونی ما را رقم زده است.

۳. هویت بخشی

شهرسازی امروز متکی و بر اساس مطالعات و نحوه اقدامات شهرهای کشورهای پیشرفته و بر پایه برنامه ریزی و نگرش به شهرسازی مدرن دنبال می شود. در این مورد طرح مطالعات اصولی بر پایه نگرش به شهرهای گذشته برای دستیابی به اهداف و هویت بخشیدن به ساختاری منسجم و سیمائی قابل توجه می بایست مورد استفاده قرار گیرد. بافت های مرکزی و تاریخی شهرها به طور محسوسی فرسوده و هویت خود را از دست می دهند.

لزوم توجه به بازسازی و هویت بخشی دوباره آن لازم و ضروری و در اولویت قرار دارد.

در حال حاضر در نقد برنامه ها و طرح های معماری و شهرسازی و توسعه ساخت و سازهای شهری مساله ساختمان های بلندمرتبه کم و بیش به علت ایجاد دگرگونی در چهره ظاهری شهر بحثی است که مورد توجه همگان قرار گرفته است و در مورد ضرر بر پایی آن ها

۵. بازسازی و مرمت شهری

همه ما به معماری و شهرسازی کهن این مرزوبوم افتخار می کنیم ولی آنچه که در جوار آن می سازیم هیچ گونه ارتباطی با آن نداشته و شکلی بی هویت و ساختاری ناهمگون و چهره ای غریبه و افسرده دارد.

چرا در برنامه های نوسازی و بازسازی شهرها به طور جدی به آن نمی پردازیم و یک محدوده مشخصی را براساس ساختار و بازشناسی هویت با رعایت ضوابط و معیار و نیازهای امروز مطالعه نمی کنیم و آن را به اجرا در نمی آوریم، تا بتواند به عنوان الگو برای سایر شهرها خط مشی اصولی و راهنمایی برای امر توسعه شهرها باشد.

چنانچه در برنامه های توسعه شهری آن ها را نوسازی و یا بازسازی کنیم، تا راه تشویق و ترغیبی برای این امر مهم فراهم گردد. در محدوده بافت های قدیمی و باارزش بایستی بناهایی از نوساخت تا به این ترتیب ضمن ارج نهادن به این میراث کهن روح تازه و فعالی در کالبد بافت های قدیمی و فرسوده دمیده شود. منظور بناهای فرهنگی و اداری نظیر کتابخانه ها، فرهنگستان ها و موزه ها و نمایشگاه ها و ساختمان های اصلی اداره هاست. بدیهی است مشکلات و دسترسی ها و معضلات ارتباطی آن را بایستی در مجموع مورد بررسی قرار داد. بدین ترتیب ضمن رعایت توجه به معماری با ارزش گذشته با برپایی چنین بناهایی مراکز تاریخی شهرها را از نو زنده و فعال کرده ایم. (۲)

حیات بخشی بافت های باارزش و قدیمی گذشته سند تاریخی شهر و شهروندان است که لازم است به این امر در زمینه مرمت شهری با دیدی خاص و ویژه به آن نگریسته شود. بنابراین در امر برنامه ریزی مرمت شهری بافت های قدیمی باید به امر اشتغال و مسکن تماماً نگریت تا این بافت ها همیشه سرزنده و فعال باشند. محیط هائی فراهم شود که مانند گذشته پررونق و دارای جاذبه های گردشگری و سیاحتی نیز بوده و از کلیه خدمات شهری نیز بهره مند باشند.

در این رابطه می توان با تصویب برنامه های کوتاه مدت و بلندمدت در امر بازسازی و نوسازی و سیاست های مدیریت توسعه شهری اقدام نمود و در شکل پذیری کالبدی شهرها که نتیجه نهایی تأثیرات عوامل بسیار است دخالت نمود. همچنین به حیات مدنی که از حیات دینی و اعتقادی ما سرچشمه می گیرد توجه وافر نمود. بدین ترتیب راه برای تحقق مبانی و شناخت هویت و ساختار شهرهای ایرانی فراهم می شود و حتی می توان به روند توسعه پایدار امیدوار بود.

لازم و ضروری است که تجربه های جهانی نیز بهره مند شویم و در برنامه خودکاری کنیم که حقوق شهروندان ضایع نگردد و به اصل کیفیت بهای قابل توجهی بدهیم. چون این مساله باعث پویای مستمر در این قلمرو می شود و مسلماً به حصول ضوابط و الگوهایی

بحث هایی صورت می گیرد. بی شک این مساله یکی از عوامل منفی و موثر در هویت و ساختار شهرهای ایرانی است که ضرورت پرداختن جدی و حل این معضل اساسی در اولویت نخست قرار دارد چرا که این مساله اگر به ترتیبی حل نشود الگوی بی هویت آن در سایر شهرهای ایران دنبال می گردد.

بنابراین پرداختن باین مسئله در توسعه و توجه به سیمای آن در شهرهای کنونی لازم است. و این دستورالعمل و توجه به این مسأله در زمینه عملکرد شهرها چه در شکل محتوایی و چه در سیمای کلی بایستی در برنامه و شرح وظایف قرار گیرد تا سیما و عملکرد شهرها گویا و مبین شهرهای ایرانی در دوره خود باشند. بنابراین لزوم تجدید نظر و تدوین در برنامه و شرح خدمات تهیه طرح های تفصیلی شهرها در اولویت نخست قرار می گیرد. تا طرح های تفصیلی که بدقت به توسعه و بازسازی شهرها مینگرد بتوانند در سیمای با هویت آتی آن توجه خاص نمایند.

۴. فضاهای شهری و خاطرات جمعی

در فضاهای شهری که در آن احساس امنیت و حس تعلق و خاطره جمعی و وابستگی احساس شود بدون شک تداوم و تحول خود را بدون از دست دادن هویت خویش ادامه می دهد و انسانها نسبت به استمرار حیات روانی خود دارای احساس یگانگی و وحدت داشته و در مقابل متغیرهای زمانی و مکانی وحدت و ثبات خود را حفظ می نمایند. در این صورت است که هر مکانی هویت خود را از طریق تغییر و تحول درونی خود حفظ می کند و پیوسته با توجه به نیازهای انسانی در تغییر و تکامل خود پویا هستند. در چنین فضاهای با ارزش شهری فرم، شکل، ساختار و کارکردهای بافت محیط مصنوع پیوسته در طول زمان تکامل می یابد. (۱)

خاطرات جمعی و تمایلات و ارزشهای انسانی در کالبد شهر مستتر است و مطالعه کالبد شهر بطور ضمنی مطالعه ارزشهای انسانی شکل دهنده آن نیز به شمار می رود. فضاهای شهری تنها سند تاریخ بوجود آمدن و ساخت آن نبوده بلکه سند زندگی و داستان انسانهایی است که آنرا بوجود آورده اند و در آن زندگی کرده اند. در این فرآیند رشد در طول حیات انسانها پیوسته زمینه رشد و دگرگونی کالبد شهر را میسر ساخته اند. جسم و کالبد شهر است که نحوه زندگی مردم و جایگاه خاص و تفکر مردم را به عنوان سندی زنده و پایدار بازگو می کند. فضاهای با ارزش شهری هویت و تداوم و توسعه خود را در عین تحول و تکامل حفظ می نمایند. تاریخ گرایان به این عقیده اند که گذشته، برای بوجود آوردن فضاهای شهری کنونی درس هایی عینی دارد. اگر جامعه ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده انگاشته است. انسان، در یک کلمه طبیعتی ندارد آنچه دارد تاریخ است. تاریخ انسان هرگز نمی تواند از ابتدا آغاز شود قطع استمرار تاریخی تحقیر حیات گذشته او است.

و زمین و فضای پیرامونی خود را تقویت کنند و بهبود بخشند و ضمن رعایت ضوابط و معیارها الگوهای وحدت بخش را حفظ کنند. متأسفانه در عصر حاضر ترکیب فضاهای شهری جدید بصورت قرار گرفتن احجام مجرد هندسی و مستقل از محیطی که در آن ساخته می شود شکل گرفته است. هیچگونه ترکیبی با نگرش از کل به جزء و بالعکس بوجود نیامده است. در این مجموعه فضاهای شهری از غنای بنیادی منظر شهری که در معماری گذشته شهرها و دوره های قبلی توجه می شده است بی بهره هستند. احکام طراحی فضاها و سیمای کنونی شهر بر پایه تزئینات و اشکال نامأنوس و فرمهای بی هویت و مصالح وارداتی شکل گرفته است.

سیمای فضاهای شهری و معماری شهرها از یک سیستم قانونمند که بتواند آنها را هم آهنگ کنند پیروی نمی کنند هر کدام از بنا بطور مستقل بدون توجه به هم جوارها که می باید جزئی از یک مجموعه یکپارچه و هم آهنگ باشند به ترکیبی بی نظم و آشفته تبدیل شده اند. که بر چهره بی نظم و هرج و مرج منظر شهری مهر تأکید می زند. این شکل ساخت و ساز و معماری در شهر جز بهدر دادن وقت و زمین گیر شدن سرمایه و داشتن شهری زشت و بی هویت بدور از سنت و تاریخ نوآوری و زیبایی چیز دیگری را به ارمغان نمی آورد.

۷. سیمای آینده فضاهای شهری

در عصر حاضر محققین و متخصصین امر نیز به توفیق تحلیل واقعی موضوع که بتواند به تهیه ضوابط و معیارها و دستورالعمل هایی برای رعایت و استفاده از آن ها در نحوه توسعه شهرهای کنونی موثر واقع گردد دست نیافته اند. چرا که در حال حاضر توسعه روز افزون ساخت و ساز و گسترش شهرها، بدون تامل در مبانی و اصول طراحی شهری صورت گرفته است، بدین معنی که خیابان ها و راسته ها و فضاهای باز شهری و ساختمان ها بدون رعایت عوامل لازم در طراحی آنها شکل گرفته اند و فضاهای غریبه و تعریف نشده و غیرانسانی ایجاد کرده اند.

توسعه شهری موزون نیاز به واقع بینی و شناخت دقیق ظرفیت ها و تنگناها دارد. نگاهی به پیچیدگی حیات شهری و نقش چشمگیر آن در پیشرفت حیات ملی ضرورت توجه حادی به این مقوله را انکار ناپذیر می کند. شهر پدیده دوران ساز و دستاورد پیچیده و با ارزش تمدن بشری است. شهر جدید در انتطابق با شرایط دوران نوین رشد جامعه بشری به نماد این دوران تبدیل شده است. تنظیم ساستها و تدوین برنامه های توسعه شهری مناسب بدون شناخت دقیق و واقع بینانه از شرایط و درجه رشد اقتصادی اجتماعی ممکن نیست. به علاوه این شناخت باید با درک روشن از وضع جهان و روابط متشکله جهانی همراه باشد تا بتوان با انتخاب سمت تکاملی که بر منافع ملی متکی است به تخصیص منابع پرداخت. سیاستهای توسعه شهری بازتاب مستقیم ساستهای توسعه ای

عملی و قابل اجرا می انجامد که راه برپایی شهرهای ایرانی را ممکن و هموار خواهد کرد.

از این رو مدیریت شهری و نظام هدایت و کنترل ساخت و سازها با این مساله و مشکل اساسی مواجه گردیده و این بحث هر چند بسیار دیر ولی به طوری جدی در حداقل محافل علمی و اجرایی مطرح گردیده است.

دست اندرکاران مسائل شهری به دنبال راه حلهای مقطعی و بلندمدت در تلاش هستند تا چهره و سیمای شهرهای ایرانی از لحاظ کمی و کیفی هویت و ساختاری در خوروشان گذشته خویش را بازیابد.

محیط مصنوع فضاهای شهری معمولاً با توجه به نظریه های ادراک محیط و علوم رفتاری انجام می شود. از آنجائیکه مشارکت مردم و سهیم بودن و مداخله ساکنان در طراحی فضاهای شهری سازگار با محیط با اهمیت بوده و امروزه مورد توجه خاص قرار گرفته و دیدگاهی منطبق بر احترام به عقاید مردم و توجه به نیازها محسوب می شود. اگر در تحلیل فضاهای شهری پالایش محیط مصنوع از سایر عوامل تأثیر گذار در ذهن افراد نتایج و دستاوردهای اساسی آن در جهت اصلاح نحوه طراحی محیط مطابق با نیازهای انسانی و خواسته های مردمی را به دنبال نداشته باشد. لاجرم محیطی بی هویت و ناپایدار خواهد بود آنچه نقش کلیدی و اساسی در طراحی فضاهای شهری را رقم می زند همانا توجه به خواسته ها و نیازهای مردم بوده که از نظریه های روانشناسی و جامعه شناسی محیط نیز تبعیت می کند.

۶. نابسامانی و ترکیب ناموزون فضاهای شهری موجود

توسعه روز افزون ساخت و ساز و گسترش اغلب شهرهای ما بدون تامل در مبانی و اصول طراحی فضاهای شهری صورت گرفته است. بدین معنی که خیابانها و راههای ارتباطی و فضاهای باز شهری و ساختمان ها بدون رعایت عوامل لازم در طراحی یک مجموعه منسجم و هم آهنگ و توجه به مبانی زیبا شناسی محیط های شهری شکل گرفته اند و فضاهای غریبه و تعریف نشده بدون توجه به مقیاس انسانی ایجاد کرده اند در صورتیکه هر بنا به مثابه عضو کوچکی از شهر باید با محیط همجوار و در نهایت با کل شهر پیوندی منسجم داشته باشد. بطور کلی از سلسله مراتب فضاهای شهری برای آنکه بتوان پیوستگی و تداوم و ترکیب بندی موزونی را بوجود آورد نگرش خاص به سیمای کلی و آینده شهر ضروری است. در تعریف فضاهای شهری انواع بدنه ها و راسته ها و محورها و احجام خصلت ها و مصادیق خاص خود را دارند. توجه به ویژگی ها و ترکیب های متنوع شان می توانند نقش خوشایندی را در سیمای شهری داشته باشند. سلسله مراتب فضائی حرکت و پیوستگی که در معماری گذشته و بافت های قدیمی دیده می شود نمونه بارز این مفاهیم و مصادیق است. ساختمانهای جدید باید ویژگی های محیط

فضاهای شهری نگاه طراح باید بر شیوه و کیفیت زندگی شهروندان باشد، که این امر نیاز به تجربه و نظریه کافی و مهارت در طراحی اینگونه فضاها دارد. لازمه توفیق در این امر روش تحلیل گرانه برنامه ها بمنظور دستیابی به برنامه ریزی فیزیکی و کالبدی است. (۴)

۸. طراحی کالبدی

تحولات کالبدی شهرها در چند دهه اخیر نشان داده است که معماران به محیط کالبدی پیرامون حوزه طراحی خود کمتر توجه دارند. حاصل این امر آن است که به رغم ملاحظات طراحانه هر چه وسیع تر معماران، سیمای شهری و محیط کالبدی انسجام خود را به سرعت از دست می دهند. در کشورهای پیشرفته لزوم توجه جدی به این امر مدت هاست احساس شده و در زمینه طراحی شهری مطالعات وسیع و جامعی انجام پذیرفته است.

در پی بررسی های همه جانبه و با استفاده از نیروهای متخصص مختلف، نمونه و الگوهایی در زمینه طراحی شهری تهیه شده است. این امر در روند توسعه از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار می گیرد و از آن به منظور ارزیابی نتایج استفاده به عمل می آید.

در واقع مسائل مربوط به طراحی شهری بعد از شکل گرفتن فضای خصوصی مطرح شده است، بدین معنی که انسان به علت نیاز به ارتباط، محتاج ایجاد فضاهای عمومی شده است و این فضاها نیز نقش اولیه خود را در ارائه خدمات تثبیت کرده اند. پس طراحی شهری در واقع با ایجاد فضاهای شهری آغاز می شود و باید جوابگوی همه جوانب شهرسازی و مسائل کالبدی شهر باشد. طراحی شهری دیدی وسیع به کل شهر دارد و سیمای آینده آن را ترسیم می کند و به بخش هایی از آن بادقت نظر بیشتری می نگرند. در اغلب شهرها عدم هماهنگی و ناهمگونی در نماهای شهری باعث می شود که علاوه بر هدر رفتن سرمایه ها، سیمای شهری خوشایند و مطلوب و جذاب نباشد و در شهروندان تعلق خاطر را بر نیانگیزد.

با توجه به وسعت و دامنه مفاهیم در تعریف طراحی شهری و نقش آن، هر کدام از فضاها و عناصر موجود در شهر می توانند به عنوان شاخص هایی در امر طراحی موثر باشند و فرایند طراحی شهری و معیارهای مربوط به آن را اصلاح یا تکمیل کنند و یا آن را به کلی تغییر دهند. میدان ها، راسته ها، خیابان ها، نشانه ها، ارتباطات، دسترسی ها، سازگاری ها و همجواری ها و زیبایی های بصری و هماهنگی ها و تقابل ها و بسیاری دیگر، از این مقوله اند.

متأسفانه تاکنون در زمینه طراحی شهری و توجه به ضرورت آن و نگرش خاص به سیمای شهر، مطالعه ای دقیق و اصولی که به کار اجرایی مثبتی بینجامد صورت نپذیرفته است. عدم توجه به این امر مهم باعث شده است که بافت های باارزش یا تاریخی، که مطلوبیت خاصی دارند، روز به روز بیشتر به خطر بیفتند. رشد و توسعه ناهمگون و بی رویه شهر، مخصوصاً در مناطق تاریخی و باارزش، این بافت ها را تهدید می کند و لزوم حفظ الگوهای منسجم در بافت

است که برنامه های کلان فضایی توسعه را در پایگاه مکانی می نشاند. بنابراین سیاستهای توسعه از برون شهر یا توسعه از درون شهر یا ترکیب این دو معنایی فراتر از پاسخگویی به نیاز ناشی از سرریزهای جمعیتی دارد.

سلسله مراتب فضایی حرکت و پیوستگی، که در معماری گذشته و بافت های قدیمی دیده می شود، نمونه بارز این مفاهیم و مصادیق است. اهداف طراحی شهری، که جامعه آنها را برای خود تعیین می کند، حاصل ضوابط و معیارهایی است که باید در طراحی معماری رعایت شود. ساختمان های جدید باید ویژگیهای محیط و زمین خود را تقویت کنند و بهبود بخشند و ضمن رعایت ضوابط و معیارها، الگوهای وحدت بخش را حفظ کنند. طراحان شهری و برنامه ریزان و سایدست اندرکاران امور شهری باید به اهداف طراحی شهری که حاصل آن ترسیم سیمای آینده شهری خواهد بود اعتقاد داشته باشند و در برابر طرح های به ظاهر خوب اما در عمل مخرب و تاثیرگذاری تسلیم نشوند.

مطالعه جوانب نظری و عملی فضاهای شهری، به بررسی های وسیع در زمینه ها و رشته های مختلف نیاز دارد. طراحی فضاهای شهری با سیاست و فرهنگ نیز مرتبط است و تنها با مطالعه عمیق مسائل و مشکلات آن است که می توان اصول مناسب تر و معقول تری را در این زمینه پیشنهاد کرد و به ابداع پرداخت. (۳)

هر چه این فضاهای شهری چشم نوازتر و از لحاظ سیمای بصری و کالبدی متنوع تر و با سلیقه مردم هم آهنگ ساخته و پرداخته شوند علاقمندی و انس مردم به این فضاها زیادتر می شود و با آن انس می گیرند. فعالیت های روزانه در حاشیه آن رونق می پذیرد و مراودات اجتماعی و آشنائی زیادی در بین مردم بوجود می آید. حرکت در این فضاهای شهری دلنشین و دیدها و نگاههای مردم در کلیه زوایا و گوشه های متنوع و خلاق فضاهای کالبدی مؤثر بر رونق عملکرد فعال و پایداری فضاها خواهد بود. توجه به مقیاس فضاهای شهری از دید ناظر در طراحی توده های ساختمانی و فضاهای باز از احکام طراحی شهری بوده و توجه به آن بایستی در طرح ریزی چنین فضاهایی مبنا واقع شود.

در طراحی فضاهای شهری اصل توجه به کیفیت فضاها امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. هرچه به اصل کیفیت و دلپذیری آن با ایجاد پرسپکتیوهای متنوع توجه شود بازتاب آن در احساس و علاقه مردم به فضاهای ساخته شده بیشتر و مثبت تر خواهد بود. باعث تعلق خاطر خواهند شد و استقبال مردم در گردش راه های ارتباطی و حرکت در فضاهای شهری خاطره انگیز بوده و بصورت عادت دائمی که مورد علاقه مردم است در می آید. بنابراین در واقع می توان گفت که طراحی در فضاهای شهری در حله نخست باید تأمین کننده نیازهای معنوی انسانها باشد. انسان باید در آن فضا احساس آرامش و امنیت و راحتی کند و احساس کند که آن فضا می تواند به پاره ای از نیازهای روحی او پاسخ دهد. در طراحی

توسعه را پایدار می نماید. از طرفی باید برنامه های طراحی شهری با سیاست ها و فرهنگ جامعه مرتبط باشد تا راه برای تحقق اصل مشارکت مردم فراهم شود. سلسله مراتب فضائی و حرکت و پیوستگی که در معماری گذشته و بافت های قدیمی دیده می شود در اهداف و برنامه های توسعه شهری بایستی دنبال شود و ساختمانهای و فضاهای جدید شهری باید ویژگی های محیط و زمین خود را تقویت نمایند. توجه به اصل زیباشناسی در سیمای شهری بعنوان یکی از ارکان و احکام طراحی شهری باید مدنظر باشد در برنامه های توسعه شهری باید توجه داشت که یک شهر باید همیشه آمادگی انعطاف در تغییرات احتمالی خود را داشته باشد. در واقع باید برای آینده برنامه ریزی و طراحی کرد و برای زمان حاضر ساخت یعنی در پیش بینی گسترش آینده باید به آینده فکر کرد و تصوراتی را پردازش نمود که قدرت پیوند فرم ها و طرحهای ایده آل آینده با وضع موجود امکان پذیر باشد.

مراجع

- [۱] لینچ، کوین، «سیمای شهر» ترجمه منوچهر مزینی، دانشگاه ملی ایران ۱۳۵۳.
- [۲] سپانلو، ابوالفتح، «توسازی شهری» معماری و شهرسازی، شماره ۳، سال ۱۳۵۷.
- [۳] هاشم نژاد، هاشم، «توجه به نیازهای انسانی در طراحی فضاهای شهری» معماری و شهرسازی، شماره ۵۷، سال ۱۳۸۴.
- [۴] HILDE BRAWD «به سوی ساختار شهری پایدارتر» ترجمه شهرزاد مهدوی، ۱۳۸۲.

های تاریخی را به عنوان اقدامی عاجل در طراحی شهری مطرح می سازد. اگر چنین اقدامی صورت پذیرد، ضمن تجدید حیات کالبد آنها در حفظ و حراست شان نیز به مثابه اسنادی تاریخی کوشش به عمل آمده است. این کار راهگشاست و در حل این معضل شهرسازی مفید و موثر است و به دنبال آن می توان بخش های عظیم شهر را از مرگ تدریجی نجات داد.

امر طراحی شهری را باید با تهیه طرح های تفصیلی و خاص دنبال کرد و هر چه زودتر فضاهای شهری را بعد از مطالعه به صورت فضاهای سه بعدی طراحی کرد. این عمل را باید به عنوان سرفصلی جدید در ارائه راه حل ها و نمونه ها و الگوها جدی گرفت و مصادیقی از آن را هر چه زودتر به اجرا در آورد. اگر این امر به عنوان راه حل مقطعی و نمونه ای تحقق یابد، می تواند اهمیت این مسئله را نشان دهد و سبب تسریع در انجام آن شود.

۹. نتیجه گیری

توجه به سیمای کلی شهروسازمان فضائی آن می بایست روشن گر هر مجموعه شهری فارغ از مقیاس و تعداد الگوهای فضائی با جلوه ای خاص و متمایز آن باشد. فضاهای شهری می توانند در تشخیص جهت و ایجاد خوانائی در سازمان فضائی شهر موثر واقع شود. سیمای با هویت شهری خاطره های جمعی و فضائی شهروندان را زنده نگه می دارد. و در این رابطه شهروندان علاقه و انس قابل توجهی به فضاهای شهری پیدا می کنند. متأسفانه در حال حاضر توسعه روزافزون جمعیت و استفاده از امکانات رفاهی و بهره گیری از تکنولوژی در رشد و توسعه سریع شهرها آنچنان است که عدم توجه به معیارها و ضوابط کیفی و پارامترهای زیبایی شناسی سیمای بی هویت شهرهای کنونی ما را بوجود آورده است.

پرداختن به اصل هویت بخشی به سیمای شهری در دست احداث لازم یک کار بنیادی و اصولی است عدم توجه به این اصل بافت های مرکزی و تاریخی شهرها بطور محسوسی فرسوده و هویت خود را از دست می دهند. اگر این مسئله بطور اساسی حل نشود الگوی بی هویت آن در سایر شهرها دنبال می گردد. بنابراین لزوم تجدیدنظر و تدوین برنامه ها برای خدمات طرح های تفصیلی و شهری از ضروریات است. (۳)

حیات بخشی بافت های باارزش و قدیمی گذشته سنتتاریخی شهر و شهروندان است لازم است در برنامه های مرمت شهری با دیدی خاص به آن نگریده شود. ایجاد اشتغال و سکونت در بازسازی بافت های قدیمی حیات دوباره ای به سرزنده و فعال بودن این محلات ببخشد. باید سعی شود محیط هائی بوجود آوریم که بسان گذشته پررونق و دارای جاذبه های گردشگری باشند. در این رابطه می توان با تدوین برنامه های مقطعی و میان مدت برای بازسازی و مرمت شهری بافت های باارزش اقدام نمود. بدین ترتیب راه برای تحقق مبانی و شناخت هویت سیمای شهری فراهم می شود و روند